

## اجلاس بن دوم و حضور طالبان؛ باید ها و نباید ها

یادآوری: این نوشته صرفاً یک برداشت و یک تحلیل است و ابداع در پی ارزش گذاری ماهیتی و ایدئولوژیک نیست / نویسنده

به باور بسیاری از تحلیل گران، اجلاس بن دوم می تواند آخرین فرصتی باشد که جامعه جهانی و افغانستان برای ترسیم دورنمایی مثبت و ایجاد سازوکار موثر در آینده این کشور، در اختیار دارند. قرار است تا در این اجلاس که ماه دسمبر سال جاری در شهر بن آلمان برگزار خواهد شد، نمایندگانی از بیش از نود کشور و سازمان های مستقل اشتراک داشته باشند. مسایلی چون امنیت، اقتصاد و آینده روابط متقابل افغانستان با جامعه جهانی در دستور کار این نشست قرار دارد.

در کنار تمام ویژگی های این اجلاس که آنرا از نشست های مشابه در طی ده سال گذشته متمایز می سازد، آنچه بیشتر جلب توجه می کند، بحث هایی است که پیرامون حضور یا عدم حضور نمایندگانی از طالبان و دیگر گروه های مسلح مخالف دولت افغانستان در این نشست به راه افتاده است. مساله ای که اگر از سطح گمانه زنی ها و سبک و سنگین کردن ها فراتر رفته و به حقیقت بپیوندد، اولین حضور رسمی مخالفان مسلح از یک سو و جامعه جهانی و دولت افغانستان از سوی دیگر در پشت یک میز خواهد بود و بدون شک بن دوم به نقطه عطفی فراموش ناشدنی در تاریخ سیاسی افغانستان بدل خواهد شد. اما اینکه این نقطه عطف به سمت مثبت خواهد بود یا منفی خود جای بحث دارد.

در باید و نباید حضور طالبان در این نشست دیدگاه های موافق و مخالف بسیاری وجود دارد و از هم اکنون تحلیل گران، منتقدان و ناظران سیاسی، گمانه زنی ها و برآورد های شان را آغاز کرده اند. این نوشته سعی بر این دارد تا با رویکردی متفاوت از دیگر تحلیل هایی که تا کنون به این موضوع پرداخته اند، به دو سوال اساسی در این زمینه پاسخ بدهد. ابتدا اینکه چرا و چگونه طالبان از گروهی شورشی که همگان عزم را بر حذف فیزیکی آنها جزم کرده بودند به گروهی مبدل می شود که بحث های جدی پیرامون اشتراک یا عدم اشتراک شان در یکی از مهمترین نشست های مربوط به آینده افغانستان به راه می افتد و دوم اینکه فارغ از خوشبینی های موجود چنانچه طالبان واقعا در این اجلاس شرکت کنند، اثر و نتیجه آن در ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی افغانستان چه خواهد بود؟

اولین بار و پس از آنکه جنگجویان وابسته به طالبان برخلاف برآورد عام، توانستند دولت افغانستان و نیروهای خارجی مستقر در این کشور را با چالش های عمده نظامی و امنیتی روبرو سازند، لخصر ابراهیمی نماینده پیشین سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان، نسبت به درست بودن این

تصمیم که از طالبان در نشست بن اول دعوت به عمل نیامد، ابراز تردید کرد و آنرا یک اشتباه استراتژیک از سوی جامعه جهانی خواند. از آن زمان تا کنون و به خصوص پس از آغاز تلاش های دولت افغانستان و متحدان بین المللی اش برای کشاندن مخالفان مسلح به پای میز مذاکره، همواره مساله نشست رو در رو با طالبان موضوع بحث و اما و اگر های فراوانی بوده است.

آنچه مسلم است اینکه در چند سال اخیر نیرو های وابسته به طالبان، با بهره گیری از عوامل گوناگونی مانند استفاده از محاسبه و برآورد نادرست جامعه جهانی در برخورد با این گروه، اشتباهات عملیاتی نیروهای خارجی در افغانستان، نارضایتی مردم از سیاست های نظام حاکم و از همه مهمتر حمایت آشکار و پنهان برخی کشور ها چون پاکستان، ایران، عربستان سعودی و تا اندازه ای چین و دیگری که چندان دل خوشی از حضور آمریکا و هم پیمانانش در ناتو در این منطقه ندارند، توان از دست رفته در چند سال اول پس از سقوط حاکمیت شان در افغانستان را به صورت فزاینده ای احیا کرده و با انسجام و سازماندهی دوباره توانسته اند دولت این کشور و نیروهای خارجی را در عرصه های امنیتی و نظامی به صورت جدی به چالش بکشند. حملات انتحاری، بمب گذاری ها، ترور افراد بلند پایه دولتی و متنفذین مذهبی و قومی متمایل به دولت، گروگان گیری و نهایتا جنگ و گریز ها و کمین های گاه و بیگاه بر سر راه نظامیان خارجی و دولتی به دامنه وسیع از سوی این گروه به کار گرفته شده و چنان که به نظر می رسد قرار هم نیست که این قدرت و انسجام دوباره به این زودی ها فروکش کند. قدر مسلم طالبان اینها را برگ برنده ای در دستان خود می بینند. علاوه بر این زمزمه های مبنی بر خروج نیروهای خارجی در سال 2014 از افغانستان به جنگجویان روحیه مضاعف داده است به خصوص اینکه طالبان از هم اکنون توانسته اند نیروهای امنیتی افغان را در ولایاتی که مسئولیت امنیت به این نیروها منتقل شده است، به گونه خردکننده ای محک بزنند و به این گمان بیش از پیش دامن بزنند که نیروهای امنیتی و نظامی افغان پس از سال 2014 قادر به تامین و حفظ امنیت شهر ها و شهروندان نخواهند بود و شرایط به نفع گروه های مسلح مخالف رقم خواهد خورد. اشتباه نخواهد بود اگر بگوییم به دلیل همین احساس قدرت بوده که تاکنون طالبان تمام پیشنهاد های مذاکره و صلح با دولت افغانستان را رد کرده اند.

و اما اینکه اگر طالبان راهی نشست بن شوند دستاورد های مثبت و منفی آن برای افغان ها چه خواهد بود؟ مثبت ترین نظر و احتمال آن است که طالبان با دولت افغانستان و جامعه جهانی در این نشست به توافق می رسند و این به معنای پایان درگیری ها در افغانستان حداقل از سوی طالبان و دیگر گروه های وابسته به آنها خواهد بود. در نگاه اول این عالی به نظر می رسد. جنگ تمام می شود و دیگر خبری از انتحار و سربریدن و دست و پا قطع کردن و به توپ بستن و از درخت آویزان کردن و ... نخواهد بود. اما این تمام ماجرا و صد البته پایان ماجرا نیست. سوال اساسی اینجاست که طالبان اگر به بن بروند با چه خواسته ها و پیشنهاد هایی خواهند رفت؟

اول از همه اینکه طالبان به عنوان یک گروه وابسته آنها نه فقط به یک کشور که به چندین کشور، قطع یقین حامل پیام های مشخص مبتنی بر منافع این کشورها به خصوص پاکستان در افغانستان خواهند بود. پذیرش این پیام ها از جانب افغانستان، معامله ای خواهد بود بر سر مصالح ملی کشور و عدم پذیرش آنها هم می تواند به مشکلی تبدیل شود که این نشست را به صورت جدی تحت الشعاع قرار خواهد داد.

همچنان بد نخواهد بود اگر مقایسه مختصری داشته باشیم میان شرایط زمانی اجلاس بن اول با شرایط حاضر که قرار است بن دوم برگزار شود.

در سال 2001 که طالبان به عنوان قوی ترین نیروی نظامی در افغانستان، مقهور جامعه جهانی و ائتلاف بین المللی بر ضد تروریسم شده بودند، در حال فروپاشی و فرار از برابر نیروی هوایی و توپخانه نیروهای ائتلاف بودند و با رها کردن شهرها به کوهها و مغارهها پناه می بردند. در این میان نیروهای وابسته به گروههای جهادی که هنوز در سردرگمی شکستهای پی در پی از طالبان و از دست دادن احمدشاه مسعود مهمترین رهبر نظامی خویش به سر می بردند، با توجه به خلا قدرت به وجود آمده، وارد شهرها و ولسوالیها شده و توانستند کنترل برخی شهرهای بزرگ و کوچک را به دست بگیرند. این مساله جامعه جهانی را در موقعیتی قرار داد که ناگزیر از پذیرش گروههای جهادی به عنوان تنها نیروی موجود برای جایگزینی فوری طالبان شدند. با به میان آمدن اجلاس بن، باز هم این گروههای جهادی بودند که توانستند با توجه به موقعیتی که به دست آورده بودند، بیشترین نماینده را به این اجلاس بفرستند و بیشترین نقش و سهم را در ساختار سیاسی آینده افغانستان برای خود تضمین کنند. نگاهی به ترکیب کابینه دولت موقت و انتقالی می تواند تاییدی بر این مدعا باشد. در واقع می توان گفت که دولت هایی که در چند سال بعد از اجلاس بن اول بر سر کار آمدند بیشتر شباهت به حکومت مجاهدین قبل از شکست از طالبان داشت تا یک ساختار سیاسی نوین و دموکراتیک. از اولین و خطرناک ترین نتایج این امتیاز دهی بی حساب و کتاب، این بود که اینها توانستند با استفاده از فرصت به دست آمده، قدرت و نفوذ خویش را در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گسترش داده و بقای خود در ساختار سیاسی کشور را برای سالها تضمین کنند. با استفاده از همین قدرت و نفوذ توانستند بیشترین کرسی های پارلمان اول کشور را به خود اختصاص دهند. با استفاده از همین قدرت و نفوذ توانستند شاهرگ های اقتصاد کشور را در اختیار و انحصار خود بگیرند. اینها با استفاده از همین قدرت و نفوذ توانستند پروسه عدالت انتقالی را که وظیفه رسیدگی به جنایات جنگی در سی سال گذشته را برعهده داشت، با شکست مواجه کنند. به نظر می رسد دیگر برای سالها نه کسی توان آنرا داشته باشد تا در مورد حوادث دهه نود و جنگ های داخلی حرفی بزند یا سوالی بپرسد و نه هم کسی حاضر خواهد شد در این مورد پاسخی به مردم و قربانیان این جنگها بدهد و از این قبیل می توان بسیار برشمرد.

امروز و در آستانه نشست بن دوم، طالبان دقیقاً در همان جایگاهی ایستاده اند که ده سال قبل گروههای جهادی قرار داشتند و چه بسا موقعیت بهتری نیز دارند. چرا که مجاهدین در آن زمان شکست خورده و پراکنده بودند و طالبان امروز منسجم تر از قبل و مشغول به چالش گرفتن دولت و نیروهای خارجی در افغانستان هستند.

اگر از طالبان برای اشتراک در نشست بن دوم دعوت به عمل آید و آنها نیز بپذیرند، با توجه به آن برگ های برنده ای که در دست دارند، احتمال بسیار زیادی دارد که بیشترین امتیاز را از دولت افغانستان و جامعه جهانی بخواهند و اگر طرف های دیگر زیر بار این امتیاز خواهی طالبان بروند، آنگونه که زیر بار امتیاز خواهی گروههای جهادی رفتند، این گروه از مشکلی در بیرون از دولت به معضلی در درون ساختار سیاسی و دولتی افغانستان تبدیل خواهد شد و کمترین جفا و ظلمی که این مساله بر مردم افغانستان روا خواهد داشت اینکه عاملین و طرح ریزان حملات انتحاری، بمب

گذاری ها، سربریدن ها و به توپ بستن ها نیز در کنار مسئولین حوادث سال های جنگ داخلی خواهند نشست و مردم باید آرزوی رسیدگی به تمام این جنایات را برای سال های سال در سینه پنهان کنند و چه بسا با خود به گور ببرند.